

داستان‌ها و حکایت‌های پندآموز متون کهن

ابراهیم بن میرزا احمدخان صنع السلطنه

www.ketab.ir

داستان‌ها و حکایت‌های پندآموز متون کهن

ابراهیم بن میرزا احمدخان صنیع السلطنه

انتشارات هفت‌اختر اندیشه

۲۷۶ صفحه وزیری

چاپ اول: ۱۳۹۳

تیراژ: ۱۰۰۰ عدد

قیمت: ۱۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۵۷-۰۴-۴

سرشناسه	صنیع السلطنه، ابراهیم بن میرزا احمدخان صنیع السلطنه
عنوان و نام پدیدآور	داستان‌ها و حکایت‌های پندآموز متون کهن / ابراهیم بن میرزا احمدخان صنیع السلطنه
مشخصات نشر	تهران: هفت‌اختر اندیشه، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	۲۷۶ ص.
شابک	۱۶۵۰۰۰ ریال: ۴-۴-۷۵۵۷-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	فنیاً
یادداشت	کتاب حاضر قبلاً با عنوان "امثال و حکم برای پندآموزان" به کوشش محمدجواد صاحبی توسط انتشارات احیاگران در سال ۱۳۸۲ منتشر شده است.
موضوع	داستان‌های اخلاقی
رده بندی کنگره	الف ۱۳۹۳ الف ۸ / ۵ BP۲۴۹
رده بندی دیویی	۲۹۷ / ۶۸
شماره کتابشناسی ملی	۳۵۴۴۳۵

تهران - حکیمیه - تهران پارس - بلوار بهار - خیابان سازمان آب - خیابان رضوان - پلوك ۳ - واحد ۱

۰۹۳۷۵۷۵۱۸۱۹-۷۷۰۰۶۶۵۰

فهرست

۱۱		مقدمه‌ی مؤلف
۱۹		دیباچه
۲۳		حکایت اول
۲۵		حکایت دوم
۲۷		حکایت سوم
۲۹		حکایت چهارم
۳۱		حکایت پنجم
۳۳		حکایت ششم
۳۵		حکایت هفتم
۳۷		حکایت هشتم
۳۹		حکایت نهم
۴۱		حکایت دهم
۴۳		حکایت یازدهم
۴۵		حکایت دوازدهم

۴۶.....	حکایت سیزدهم
۴۷.....	حکایت چهاردهم
۴۹.....	حکایت پانزدهم
۵۱.....	حکایت شانزدهم
۵۳.....	حکایت هفدهم
۵۴.....	حکایت هجدهم
۵۶.....	حکایت نوزدهم
۵۷.....	حکایت بیستم
۵۹.....	حکایت بیست و یکم
۶۱.....	حکایت بیست و دوم
۶۳.....	حکایت بیست و سیم
۶۴.....	حکایت بیست و چهارم
۶۷.....	حکایت بیست و پنجم
۶۹.....	حکایت بیست و ششم
۷۱.....	حکایت بیست و هفتم
۷۳.....	حکایت بیست و هشتم
۷۴.....	حکایت بیست و نهم
۷۶.....	حکایت سی ام
۷۸.....	حکایت سی و یکم
۸۰.....	حکایت سی و دوم

۸۲.....	حکایت سی و سوم
۸۴.....	حکایت سی و چهارم
۸۵.....	حکایت سی و پنجم
۸۶.....	حکایت سی و ششم
۸۷.....	حکایت سی و هفتم
۸۹.....	حکایت سی و هشتم
۹۱.....	حکایت سی و نهم
۹۳.....	حکایت چهل و یکم
۹۵.....	حکایت چهل و یکم
۹۷.....	حکایت چهل و دوم
۹۹.....	حکایت چهل و سیم
۱۰۰.....	حکایت چهل و چهارم
۱۰۲.....	حکایت چهل و پنجم
۱۰۴.....	حکایت چهل و ششم
۱۰۶.....	حکایت چهل و هفتم
۱۰۷.....	حکایت چهل و هشتم
۱۰۹.....	حکایت چهل و نهم
۱۱۱.....	حکایت پنجاهم
۱۱۳.....	حکایت پنجاه و یکم
۱۱۴.....	حکایت پنجاه و دوم

۱۱۶.....	حکایت پنجاه و ششم
۱۱۷.....	حکایت پنجاه و چهارم
۱۱۹.....	حکایت پنجاه و پنجم
۱۲۰.....	حکایت پنجاه و ششم
۱۲۱.....	حکایت پنجاه و هفتم
۱۲۳.....	حکایت پنجاه و هشتم
۱۲۵.....	حکایت پنجاه و نهم
۱۲۶.....	حکایت شصت و یکم
۱۲۷.....	حکایت شصت و یکم
۱۲۸.....	حکایت شصت و دوم
۱۳۰.....	حکایت شصت و سوم
۱۳۲.....	حکایت شصت و چهارم
۱۳۴.....	حکایت شصت و پنجم
۱۳۶.....	حکایت شصت و ششم
۱۳۹.....	حکایت شصت و هفتم
۱۴۰.....	حکایت شصت و هشتم
۱۴۲.....	حکایت شصت و نهم
۱۴۳.....	حکایت هفتادم
۱۴۵.....	حکایت هفتادویکم
۱۴۷.....	حکایت هفتاد و دوم

۱۴۹.....	حکایت هفتاد و سوم
۱۵۰.....	حکایت هفتاد و چهارم
۱۵۲.....	حکایت هفتاد و پنجم
۱۵۴.....	حکایت هفتاد و ششم
۱۵۶.....	حکایت هفتاد و هفتم
۱۵۸.....	حکایت هفتاد و هشتم
۱۶۰.....	حکایت هفتاد و نهم
۱۶۲.....	حکایت هشتاد
۱۶۴.....	حکایت هشتاد و یکم
۱۶۵.....	حکایت هشتاد و دوم
۱۶۷.....	حکایت هشتاد و سوم
۱۶۹.....	حکایت هشتاد و چهارم
۱۷۲.....	حکایت هشتاد و پنجم
۱۷۴.....	حکایت هشتاد و ششم
۱۷۶.....	حکایت هشتاد و هفتم
۱۷۸.....	حکایت هشتاد و هشتم
۱۸۰.....	حکایت هشتاد و نهم
۱۸۲.....	حکایت نودم
۱۸۴.....	حکایت نود و یکم
۱۸۶.....	حکایت نود و دوم

۱۸۷	 حکایت نود و سیم
۱۸۹	 حکایت نود و چهارم
۱۹۱	 حکایت نود و پنجم
۱۹۳	 حکایت نود و ششم
۱۹۴	 حکایت نود و هفتم
۱۹۶	 حکایت نود و هشتم
۱۹۸	 حکایت نود و نهم
۲۰۰	 حکایت صد و یکم
۲۰۲	 حکایت صد و دوم
۲۰۴	 حکایت صد و سوم
۲۰۵	 حکایت صد و چهارم
۲۰۷	 حکایت صد و پنجم
۲۰۸	 حکایت صد و ششم
۲۱۰	 حکایت صد و هفتم
۲۱۲	 حکایت صد و هشتم
۲۱۴	 حکایت صد و نهم
۲۱۶	 حکایت صد و دهم
۲۱۸	 حکایت صد و یازدهم
۲۲۰	 حکایت صد و دوازدهم
۲۲۱	 حکایت صد و سیزدهم

۲۲۳		حکایت صد و سیزدهم
۲۲۵		حکایت صد و چهاردهم
۲۲۷		حکایت صد و پانزدهم
۲۲۹		حکایت صد و شانزدهم
۲۳۱		حکایت صد و هفدهم
۲۳۳		حکایت صد و هجدهم
۲۳۴		حکایت صد و نوزدهم
۲۳۵		حکایت صد بیستم
۲۳۷		حکایت صد و بیست و یکم
۲۳۹		حکایت صد و بیست و دوم
۲۴۱		حکایت صد و بیست و سیم
۲۴۲		حکایت صد و بیست و چهارم
۲۴۳		حکایت صد و بیست و پنجم
۲۴۵		حکایت صد و بیست و ششم
۲۴۷		حکایت صد و بیست و هفتم
۲۴۹		حکایت صد و بیست و هشتم
۲۵۰		حکایت صد و بیست و نهم
۲۵۲		حکایت صد و سی ام
۲۵۴		حکایت صد و سی و یکم
۲۵۶		حکایت صد و سی و دوم

۲۵۸	 حکایت صد و سی و نهم
۲۵۹	 حکایت صد و سی و چهارم
۲۶۱	 حکایت صد و سی و پنجم
۲۶۲	 حکایت صد و سی و ششم
۲۶۳	 حکایت صد و سی و هفتم
۲۶۵	 حکایت صد و سی و هشتم
۲۶۶	 حکایت صد و سی و نهم
۲۶۸	 نمایه
۲۷۲	 فهرست ابیات

به نام خدا مقدمه‌ی مصحح

ای درون‌پرور بی‌آلای
وی خردبخش بی خردبخشای
کفر و دین هردو در رهش پویان
وحده لاشریک له گویان
فرایند عصر فتوحات اسلامی، رویارویی فاسک‌ها و تمدن‌های مختلف و کهنی
بود که در سایه آمیختگی آن‌ها، فرهنگ و تمدن اسلامی با همه‌ی ویژگی‌های بارز خود
شکل گرفت. هر چند در مراحل نخستین خلافت اسلامی، اواسط حکومت امویان،
هنوز اعتقاد به عدم پذیرش هر چیز غیر از قرآن و تاکید بر قوه حاکمه و اجتناب از نگارش،
بی‌اقتبالی بسیاری از علوم را فراهم آورده بود، اما با گذشت زمان و در پی رشد معرفتی
مسلمانان و نیاز مبرم تمدن نو خاسته اسلامی به آموختن و رسیدن به سرچشمه‌های
اصلی معرفت و علم، مسلمانان ناگزیر به روی آوردن به ترجمه و نقل متون گردیدند.
با استقرار خلافت امویان در شام و نزدیکی آنان به رومیان و تسلط بر مدار علمی
رها (ادسا)، نصیبین، حران و انطاکیه، رفته رفته زمینه‌های آغاز حرکت علمی مهیا
گردید. خلفای نخستین اموی با خواندن و شنیدن سرگذشت پر عظمت پیشینیان، به
تاریخ علاقمند شدند. دوران عباسیان یکی از طلایی‌ترین دوره‌ها از لحاظ جنبش نهضت

ترجمه و گستردگی آن در مناطق عربی، آسیایی، اروپایی و آفریقایی بود.

جهان اسلام با گسترش مراکز علمی و برقراری روابط فرهنگی و علمی با سایر ملل در اندک زمانی چنان انقلابی بوجود آورد که دانشمندان و محققین تاریخ علم، از آن بعنوان "معجزه مسلمانان" تعبیر می کنند و اذعان دارند که قدرت خلاقه‌ی این نهضت از تمامی جنبش های علمی دیگر تا قرن سیزدهم میلادی بیشتر بوده است. نبوت با خواندن آغاز گمید. معجزه پیامبر اُمّی کتابی بود که "هیچ کس مثل آن را نمی تواند بیاورد." دعوت به دین با تشکیل جمع مشورتی از نزدیکان و با انجام سخنرانی و خطابه دینی و جدلهای مذهبی صورت گرفت. راه آزادی اسراء، سوادآموزی و آموزش مسلمانان بود. یاد دادن و یاد گرفتن از برترین فریضه هاشد. گردش در جهان و توجه به تاریخ گذشتگان، ترجمه آثار، یادگیری زبان های بجز زبان عربی از وظایف اصحاب خاصه قرار گرفت. مساجد هم محل عبادت بودند و هم محل تحصیل و فراگیری و دانش اندوزی. کنگره علمی حج برپا شد تا تمامی مسلمانان از تمام نقاط جهان دور هم جمع آیند و علاوه بر عبادت به کسب فیض و تحصیل علوم و تبادل نظر بپردازند.

از شرایط اصلی صلح مسلمین با کفار را اختیار گرفتن نسخه ای از کتب علمی آن زمان بود. نهضت ترجمه، نقل و حدیث، قرآن آموزی و حفظ قرآن، نهضت تحقیق و تالیف احیا شد و در این راستا بیت الحکمه یا آکادمی علمی بغداد تاسیس گردید. انجمن ها و مراکز دانشگاهی پر افتخاری همانند نظامیه بغداد شکل گرفتند. مجالس برخی از خلفا و پادشاهان ممالک اسلامی به محفل ادب، هنر، مباحث و مناظرات علمی تبدیل گردید. از محضر و مکتب ائمه اطهار (ع) دانشمندان و مفاخری تقدیر نامه بگری شدند که خود سردمدار و پدر بعضی از علوم امروزی هستند. افرادی همچون جابر بن حیان، فارابی، ابن سینا، ابن رشد، زکریای رازی، حسن بن هیثم، خوارزمی، ابوالوفا، زهرری، ابن یونس و صدها نفر نظیر آنها که از بین مسلمین طلوع و در قلمرو حکومت اسلام رشد و تمدن مترقی اسلامی را بوجود آوردند و علم، هنر و ادبیات اسلامی را از فراسوی هندوستان تا آنسوی اروپا (اسپانیا و جزایر سیسیل) رواج و گسترش دادند. در حالیکه در برابر خود جمعی

مردمان نیمه وحشی و متعصب که از افتخارات آنها بی سوادی بود، می دیدند. اما چه پیش آمد که این چنین مردمانی پس از دوره رنسانس سریعاً از ما پیشی گرفته و علاوه بر کسب علوم حاصل از تلاش بزرگ مردان علمی جهان اسلام قرن‌ها با ما فاصله و در تقابل فرهنگی و تمدنی با مایی که بزرگترین تمدن را بوجود آورده بودیم قرار گرفتند. گرچه بعضی از صاحب نظران دلایلی همچون حمله مغول، از بین رفتن روح عدالت خواهی و رعایت حقوق مردم، اشرافی گرایی، سودجویی و جمع آوری ثروت‌ها و عیاشی سبب گری حکام و برخی دیگر تغییر قیافه بعضی از اصول و مبانی اخلاق اسلامی همچون صبر، تحمل، زهد را به تحمل ظلم، رکود و بی تدبیری، گوشه گیری و انزوا طلبی را دلائل عقب ماندگی می دانند، اما باید با تدبیر و تحقیق بیشتر ریشه های اصلی و واقعی را در گریختن از دجرام و انسانهای آن جستجو کرد. رهبران اسلام، علمای بیگانه را برای تعلیم و مسلمانان را تربیت کردند و از علم آنان علماء و فضلاء بزرگی تربیت نمودند. موفقیت و شکوفایی تمدن اسلامی به شریعت اسلام وابسته است، آنجاکه نقش حضرت امام رضا (ع) در ایجاد نهضت علمی و ترجمه آثار و تألیفات امام رضا (ع) در امور مختلف مثل توحید، پیدایش زمین، منشأ کیهان، فقه، حدیث، فلسفه احکام و مباحث اخلاقی، حاکی از گستردگی معلومات ایشلی بوده است. مسلماً شخصی با این گستردگی در علم و بینش، تأثیر شگرفی بر توسعه علمی جامعه خود خواهد گذاشت، به خصوص اینکه امام (ع) به لحاظ اجتماعی بسیار فعال عمل کردند و خود را به ارائه راهکار و نظرات خود پرداختند. احاطه ایشان به علوم پزشکی، بهداشت عمومی، میکروبیولوژی نمونه بارز این مسأله است که تأثیر بسزایی در علم پزشکی و بهداشت عمومی آن عصر گذاشت. چرا که تا آن زمان دانش پزشکی صورت علمی نداشت و این حرکت عظیم علمی امام (ع) در ۱۲۰۰ سال پیش نقطه جهشی برای توجه اندیشمندان به علم در حوزه های مختلف شد. خصوصاً وقتی این قواعد با کشفیات علمی منطبق شد.

استفاده بهینه از فرصت‌های موجود در تبیین معارف و تبلیغ دین و ترویج مسایل علمی از عمده فعالیت‌های امام رضا (ع) در تولید علم به شمار می رود. حضرت رضا (ع) نیز با توجه

به تصریحات و تأکیدات کتاب و سنت درباره‌ی توسعه‌ی علم و دانش و عقلانی بودن لزوم تحصیل علم به این مهم پرداختند. استفاده‌ایشان از این پیش زمینه‌ها در هدایت فکری و توسعه‌ی علمی و تولید علم کمک بسزایی کرد. یکی دیگر از این پیش زمینه‌ها توجه به اصول علمی و معارف کلیدی در جریان تولید علم است. امام رضا(ع) با تکیه بر همین اصول، نهضت علمی را به اوج خود رسانید. اعتقاد آن حضرت به لزوم ارتقای علمی مملکتان در سطح بین‌المللی و یافتن جایگاه مناسب علمی دیگر مؤلفه‌ای بود که حضرت رضا(ع) از آن در تولید علم بهره جست.

اصولاً ارتقاء مجامع فرهنگی و علمی در سرتاسر دنیا و گسترش علم و خردورزی تنها از طریق ارتباط و جنبه صورت می‌گیرد. هرچه ارتباطات بیشتر، مداوم، به روز و در نهایت گسترده باشد، کنکاش در طلب و جستجوی علمی برای علم و ورزی بیشتر و میدان عمل و کارایی بیشتری خواهد داشت. تاسیس و گسترش نهضت‌های ترجمه در ارتباط و تعامل با کشورهای دیگر موجب شناخت و آگاهی بهتر و بیشتر علم پژوهان از دستاوردهای علمی و تحقیقی دیگر کشورها را بعکس است. ترجمه آثار دانشمندان، عالمان، محققان بزرگ ایرانی توسط کشورهای دیگر به زبان آن کشور موجبات شناخت و آگاهی را برای دولت و مردم آن کشور به همراه دارد. در سایه این تعاملات و ترجمه‌ها، علم و دانش در حوزه وسیعی گسترش می‌یابد و شناخت مردمان از یکدیگر در حوزه‌های گوناگون فکری بیشتر و تفکرات جدیدی بوجود می‌آید. در نتیجه دسترسی به عقاید و اندیشه‌ها و چگونگی برخورد با مسائل عقلانی بهتر و مفاهیم کاربردی تر می‌شود. در قرون گذشته که منابع علمی و اعتقادی در تمام امور خیلی کمیاب بود محققان و دانشجویان جهت کسب علم به مراکز علمی دنیا مسافت می‌کردند و برای حکومت و جامعه خود کسب فیض می‌کردند. نمونه بارز و عینی آن، می‌توان به کلاس‌های علمی و دینی امام محمد باقر(ع) اشاره داشت. دانشجویانی که از محضر مبارک این امام همام کسب دانش می‌کردند بیش از ۴۰۰۰ نفر بود.

از جمله از شاگردان امام محمد باقر(ع) می‌توان به جابر بن حیان از دانشمندان بزرگ

ایرانی اشاره کرد که در مکتب این امام بزرگوار کسب فیض می کرده و علم خود را در اختیار مردم جامعه خود می گذاشت. این دانشجویان که اغلب از کشورهای و نژادهای گوناگون بودند، مجبور بودند زبان عربی را بیاموزند و سپس علوم تخصصی خود را که از محضر امام محمد باقر (ع) می آموختند، به زبان مادری خود ترجمه می کردند و بدین منوال از حفظ علم و گسترش آن در جامعه خود نهایت بهره برداری را می نمودند. گستردگی در علم و بینش، تأثیر شگرفی بر توسعه علمی جامعه به همراه دارد. پس نهضت های ترجمه در ایجاد گسترش مبانی علمی نقش مهمی در هر جامعه دارد. جامعه ای که مشارکتهای خارجی و تعاملات و مراودات علمی و پژوهشی را در امر ترجمه حفظ و گسترش دهد، نقطه جهشی برای برچه اندیشمندان کشورهای گوناگون به علم خواهد یافت. در دوره اخیر، حرکتی بر که در دوره قاجاریه در پی ارتباط با غرب صورت گرفت و با تحول و اوج گیری در ترجمه همراه بود نیز نهایت ترجمه نامیده اند. گاهی نیاز فرهنگی علمی یک جامعه آن را به سمت ترجمه هدایت می کند. مثلاً در دوره قاجاریه تماس ما با غرب باعث ایجاد نوعی نیاز شد و این نیاز ما را به سمت ترجمه سوق داد. اما نکته اینجا است که گاهی یک نیاز واقعی است و گاهی نیاز، نیازی کاذب است که از سوی دیگران این نیاز برای جامعه ای طراحی و ساخته و برنامه ریزی می شود. به نظر می رسد در دوره قاجاریه، نیازی که به ترجمه احساس می شد صرفاً درونی و بومی نبود بلکه یک احساس نیازی را نیز غرب بر ما تحمیل می کرد.

در واقع در این مقاطع عوامل خارجی به سود خود از این طریق خواستند نبض فرهنگی- علمی جامعه ما را به دست گیرند. این نمونه ای از اهمیت ترجمه در شکل دهی فضای فکری- فرهنگی یک جامعه است. در واقع این گزینش به ترجمه است که چنین قدرت شکل دهی به آن می دهد.

پس از نهضت مشروطه تحصیل کرده های ایرانی به ترجمه ی کتاب های درسی و غیر درسی اروپایی به ویژه فرانسوی روی آوردند و ترجمه ی کتاب های ویژه کودکان نیز از همین زمان آغاز شد. در این زمان برای نخستین بار نویسندگان برای بچه ها داستان

نوشتند و شعر سرودند. در این دوره احتمالات تصویرسازی برای کتاب‌های بچه‌ها با ترجمه کتاب‌های اروپایی، به ایران وارد شده است، نخستین کتاب مصور را محمد بن یوسف مازندرانی ملقب به مفتاح الملک با نام الفبای مصور منتشر کرد.

فابل

خوش‌تر آن باشد که سر دلبران
گفته آید در حدیث دیگران

فابل، به معنای قصه و حکایت و در اصل نوعی تمثیل است که از ریشه‌ی لاتین «fabula» به معنی، بازگفتن آمده و بر روایت کردن تأکید دارد، و در ادبیات به آن دسته از قصه‌ها و افسانه‌های کوتاه منثور یا منظوم گفته می‌شود، که از زبان حیوانات بیان شده و اغلب مطالب اخلاقی را دربر دارد. در این گونه داستان‌ها هر یک از جانوران نمونه و سمبلی از یک تیپ اجتماعی یا اخلاقی هستند و داستان با اندرزی حکیمانه پایان می‌پذیرد.

فابل شامل دو قسمت است: نیمی سمبولیک نمایشی و جنبه‌ی عبرت‌آموزی کتاب اخلاق مصور نوعی فابل تصویری است که در ادامه به معرفی آن می‌پردازیم:

معرفی کتاب و مؤلف

اخلاق مصور، نوشته‌ی میرزا ابراهیم خان کرزند میرزا احمد صنیع السلطنه، نویسنده و مترجم روزگار قاجار است. مؤلف آن را از کتاب‌های رنگین ترجمه و برای نزدیک کردن بیشتر مفاهیم کتاب به ذهن و فرهنگ خودی از کتاب و روایات و همچنین امثال و اشعار بسیار استفاده کرده است. البته کاملاً معقول به نظر می‌رسد که به علت تعلیمی و اخلاقی بودن کتاب، مؤلف بیشتر از احادیث امام علی (ع) که سراسر پر از احادیث اخلاقی و همچنین در استفاده از اشعار، بیشتر از شیخ اجل بهره برده است. هر چند که در حاشیه‌ی برخی از حکایات ریشه در فرهنگ و ادب فارسی دارد؛ مانند حکایت عقاب که در سراسر از شعر عقاب ناصر خسرو قبادیانی شاعر شهیر سده‌ی پنجم گرفته شده است. از دیگر ویژگی‌های جالب توجه این کتاب این است که، مؤلف در پایان هر حکایت خود به نتیجه‌گیری منطقی حکایت می‌پردازد و حکایت را بیشتر برای کودک ترسیم می‌کند. هر چند که به نظر می‌رسد

اگر کودک خود نتیجه‌گیری کند و محدود به نتیجه‌ی واحد مؤلف نشود بسیار معقولانه‌تر است. این کتاب در واقع نوعی قابل تصویری است، شامل حکایت‌هایی تعلیمی و اخلاقی بانثری مسجع، که مؤلف در آن بسیار کوشیده تا متن کتاب را آهنگین کند و برای خواننده دلنشین، چه ذهن انسان به آهنگ متمایل است که گفته‌اند: اُشتر به شعر عرب در حالت است و طرب / اگر ذوق نیست تورا کژ طبع جانوری» هر چند نویسنده به خوبی از پس این کار برآمده لکن به جهت اصرار بیش از حد، برای مسجع و آهنگین کردن متن در مواردی در چند حدک معنی را فدای لفظ می‌کند، برخلاف نظر خود مؤلف. یادآوری این نکته ضروری است که بسیاری از حکایات این اثر توسط شاعرانی چون محمد تقی بهار، حبیب یغمایی و دیگران به نظم درآمده بود، که برخی از آنها نیز سال‌های متمادی در کتاب‌های درسی راه یافتند. این گواه توجه بزرگان ادب به این اثر و مفید دانستن این حکایات برای کودکان و نوجوانان بوده است.

در فهرست‌واره‌ی کتاب‌های فارسی، شته‌ی احمد منزوی در ذیل نام این کتاب چنین آمده است: اخلاق مصور میرزا ابراهیم فرزند احمد صنیع السلطنه مدیر مدرسه‌ی اقدسیه شامل حکایت‌هایی نزدیک به ذهن کودکان است که گزیده‌ای از کتاب‌های فرنگی است البته با افزودگی‌های جدید.

مرحوم شیخ آقابزرگ تهرانی در کتاب خود الذریع فی تانیف الشیعه چنین آورده است: اخلاق مصور فارسی، فیه حکایات اخلاقیه مصوره بملامح الی ذهن الاطفال و هی ترجمه عن الکتب الافرنجهیه مع تنقیحات کثیرة المیرزا احمد...، کتبه فی عصر مظفرالدین شاه و طبع مکرراً.

خان بابامشار در فهرست کتاب‌های چاپی فارسی دفعات چاپ کتاب را به این شکل ذکر می‌کند:

چاپ اول: طهران، ۱۳۲۵ ق. چاپ سنگی

چاپ دوم: تهران، ۱۳۲۷ ق. چاپ سنگی

چاپ سوم: تهران، ۱۳۲۸ ق

چاپ دیگر: بمبئی، چاپ سنگی

به هر حال، کتابی که اینک در دست دارید، براساس چاپ سال ۱۳۲۷ قمری است. این چاپ نقاشی‌های ارزشمندی دارد که در اینجا نیز عیناً آورده شده‌اند. همچنین ذکر این نکته ضرورت دارد که چاپ اساس ما با حکایت صد و چهل و نه به پایان می‌رسد، اما حکایت صد و بیست و نهم نیامده است؛ از این رو، به اصلاح این ترتیب پرداخته‌ایم و چاپ حاضر با حکایت صد و سی و نهم تمام می‌شود.

درباره‌ی این اثر بیش از این‌ها می‌توان سخن گفت، اما به جهت اینکه مؤلف خود در مقدمه‌ی پرتکالیس بر این کتاب به تفصیل در این باره، سخن گفته است، ما از اطاله‌ی بی‌نیاز دکالم چشم‌پوشی می‌کنیم. امید است که مقبول طبع مردم صاحب‌نظر افتد.

والعاقبة للمتقين

مسعود سعادتی

اسفندماه یک‌هزار و سیصد و نود و دو

ایده